

## عوامل اجتماعی موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق (مورد مطالعه زنان متأهل اسلام‌آباد غرب)

علی مرادی<sup>۱</sup>

ماندانا فرخی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۱

### چکیده

در این پژوهش به عوامل اجتماعی موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق (مورد مطالعه زنان متأهل اسلام‌آباد غرب) پرداخته‌ایم. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و با توجه به کمی بودن پژوهش و ماهیت موضوع مورد مطالعه روش پیمایش به عنوان روش اصلی این پژوهش با رعایت اصول متدولوژیک انتخاب گردیده است. جامعه پژوهش شامل ۲۲۲۱۵ نفر از زنان متأهل شهرستان اسلام‌آباد غرب می‌باشد؛ که از این میان ۱۹۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارت بودند از: تفاوت عقاید زمینه‌ی تغییر نگرش به طلاق را مهیا می‌سازد. همسانی‌های فکری و عقیدتی بین زوجین لازمه بقا و تداوم زندگی را فرض می‌کند و بالعکس، برخی ناهمسانی‌ها باعث وجود اختلاف و گسست روابط در زندگی تلقی نموده که به تدریج زمینه را برای وقوع طلاق فراهم می‌آورد. با افزایش (کاهش) سن شاهد تغییر نگرش افراد به مقوله طلاق هستیم. درآمد بیشتر زنان، احتمال بی‌ثباتی ازدواج را افزایش می‌دهد. اشتغال زنان نقش قابل‌توجهی را در توصیف نگرش به طلاق بازی می‌کند. همچنین نتایج نشان داد دخالت دیگران با نگرش به طلاق ارتباط معنی‌داری دارد. بر اساس نظریه شبکه قوی بودن شبکه خویشاوندی و دخالت دیگران در زندگی زوجین، می‌تواند از طریق سلب قدرت تصمیم‌گیری از زوجین، سبب بروز اختلافات خانوادگی گردیده، احتمال جدایی و طلاق را افزایش دهد.

**واژگان کلیدی:** نگرش به طلاق، معیارهای ازدواج، انتظارات، دخالت دیگران.

**مقدمه**

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی واحد اسلام‌آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آبادغرب، ایران. (نویسنده مسئول)

A.Moradi2020@iauksh.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آبادغرب، ایران

خانواده به منزله کوچک‌ترین، اما مهم‌ترین، نهاد اجتماعی در تکامل جوامع بشری و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند. این نهاد طی قرن اخیر تغییرات ساختاری، کارکردی و معنایی گسترده و ژرفی را به واسطه فرآیندهایی همچون صنعتی شدن، شهرنشینی، جهانی شدن، مدرنیزاسیون، پیشرفت فناوری و... پشت سر گذاشته و شیوه زیست و زندگی مردم با تغییرات فراگیر و جدی مواجه شده است. به تعبیر گیدنز<sup>۱</sup>، این تغییر و تحولات هیچ‌جا مشهودتر از زندگی شخصی و عاطفی انسان نیست (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۵۰). از مهم‌ترین تغییرات در حوزه خانواده در اکثر جوامع بشری افزایش طلاق و تغییر نگرش به طلاق<sup>۲</sup> است. طلاق به معنای فروپاشی مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری در جامعه (مجبی، ۱۳۸۰: ۹۶۲). این پدیده یکی از مهم‌ترین مسائل و معضلات اجتماعی عصر حاضر است که مشکل و مسئله‌ای فردی نیست، بلکه فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که نه تنها بر نحوه ارتباط و تعامل اعضای خانواده و ساختار آن تأثیر می‌گذارد، بلکه کل جامعه را درگیر مشکلات اجتماعی جدی، عمیق و حتی جبران‌ناپذیر می‌کند. میزان زیاد طلاق در جوامع امروزی از یکسو و تغییر الگوی طلاق و نوع نگاه به این پدیده از سوی دیگر، محققان علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسان را به کاوش درباره عوامل مؤثر بر آن واداشته تا کشف و بررسی کنند که چه عواملی (عینی و ذهنی) سبب چنین تغییراتی در روند جهانی افزایش طلاق و تغییر ماهیت آن شده است. در این میان، یکی از عواملی که می‌توان آن را زمینه‌ساز افزایش طلاق مطرح دانست نگرش<sup>۳</sup> به طلاق است، پدیده‌ای که صرفاً به جوامع صنعتی محدود نشده و همچون ارزشی اجتماعی فرهنگی به دیگر جوامع از جمله ایران نیز راه یافته است (شیخی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). بسیاری از محققان اجتماعی معتقدند که نگرش مثبت به طلاق می‌تواند بر کاهش کیفیت زندگی زناشویی و احتمال بروز طلاق در زندگی همسران نقش مؤثری داشته باشد (Rootalu & Kasearu, 2016; Diaz and et al., 2013; Kwan and et al., 2013; Whitton and et al., 2013; Miles and et al., 2010; Kapinus & Flowers, 2008; Heaton, 2002). برخی از محققان اجتماعی نیز معتقدند نگرش منفی مردم جامعه به طلاق در ایجاد هنجارهای محافظ خانواده و موانع ذهنی و اجتماعی برای بروز طلاق نقش مهمی دارد. این نگرش در جوامع سنتی بیشتر در آموزه‌های دینی یا عرف ریشه دارد و تداوم آن در جوامع مدرن ممکن است هم از بقایای آموزه‌های دینی و هم از نوعی خانواده‌گرایی مدرن ناشی شود (فلاحی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۴۱). برخی از محققان (Kalmijn & Uunk, 2007) و حیدری بیگوند و بخشی، ۱۳۸۴). در پژوهش‌های خود بر نقش پایبندی به مذهب و سنت در نگرش منفی به طلاق تأکید کرده‌اند. در جامعه ایران، تحت تأثیر فرآیندهای جدید تکنیکی و ارزشی، انسجام خانواده‌ها با مسائل جدی مواجه شده است که در گذشته مشابه آن در این سطح وجود نداشته است و در دهه‌های اخیر، با وجود سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و

---

1 . Giddens

2. Attitude Toward Divorce

3. Attitudes

برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، به سمتی در حال حرکت است که روزه‌روز بر تعداد طلاق‌ها افزوده می‌شود (صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱: ۶).

نگاهی به وضعیت طلاق در ایران در سال‌های اخیر نیز مؤید سیر صعودی طلاق است؛ در صورتی که این واقعه نامطلوب در سطح جامعه فراگیر شود و از حد متعارف خود خارج شود به عنوان مسئله‌ای اجتماعی مطرح می‌شود که باید مسئولان به آن رسیدگی کنند؛ چرا که این معضل اجتماعی آسیب‌های جدی به جامعه وارد می‌کند. بر اساس آمار ثبت احوال ایران در سال ۱۳۹۱، ۱۵۰ هزار و ۳۲۴ طلاق به وقوع پیوسته است؛ یعنی روزانه ۳۸۱ زوج از یکدیگر جدا شده‌اند که ۲۱۱۲۷ مورد کمتر از یک سال و ۱۷۷۱۹ مورد از آن‌ها کمتر از دو سال با یکدیگر زندگی کرده‌اند. این آمار تکان‌دهنده موجب شده است که کارشناسان آمار طلاق در ایران از طلاق به عنوان زلزله خاموش تعبیر کنند که هر روز در حال تکان دادن بنیان جامعه است. با توجه به آنچه ذکر شد هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق (مورد مطالعه زنان متأهل اسلام‌آباد غرب) می‌باشد. سایر اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

۱. شناسایی رابطه بین برآورده نشدن انتظارات و نگرش افراد به مقوله طلاق
۲. شناسایی رابطه بین دخالت‌های دیگران و نگرش افراد به مقوله طلاق
۳. شناسایی رابطه بین تضعیف نقش عاطفی و نگرش افراد به مقوله طلاق
۴. شناسایی رابطه بین تغییر معیارهای ازدواج و نگرش افراد به مقوله طلاق

### پیشینه پژوهش

عمرانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تجربه زیستی زنان متأهل در مواجهه با طلاق عاطفی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که زنان پس از ازدواج به مسایلی فراتر از جسم و روح و روان و سلامت خود، همچون فرزندان، آبرو و قضاوت مردم، نیاز مالی و... می‌اندیشند که باعث می‌شود؛ تمام سختی‌ها و رنج‌های ناشی از سردی روابط زناشویی که همان طلاق عاطفی است را تحمل کنند و به سراغ طلاق قانونی نروند.

ملکشاهی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان علل طلاق و راهکارهای جلوگیری از آن، عنوان کردند که با توجه به اینکه طلاق از نظر اجتماعی به جامعه آسیب می‌رساند و یک معضل اجتماعی به حساب می‌آید لذا به علل افزایش طلاق در جامعه مانند نداشتن شناخت کافی، دخالت خانواده‌ها، فقدان محبت بین زوجین، فقر، بیکاری و همچنین راهکارهای پیشگیری از آن مانند طولانی کردن مدت زمان نامزدی، بیان و اعتراف زوجین به اشتباهات و نقایص خود و به وجود آمدن محبت‌های صادقانه میان زن و مرد و ... می‌توان اشاره کرد.

صدراشرافی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه ای تحت عنوان آسیب شناسی طلاق و راهکارهای پیشگیری از آن؛ به این نتایج دست یافت که تمام عوامل مؤثر بر طلاق از قبیل عوامل فردی و شخصیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در حد زیاد بر روی مساله طلاق اثرگذار است.

روستا (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده در شهر شیراز به ثبت رسانده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داده است متغیرهای برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت شوهر، عدم صداقت همسر و عدم مشورت در امر زندگی با میزان گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار و مستقیمی دارند. برخی دیگر از نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که متغیرهای اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش به طلاق زنان ارتباط معنی دار و معکوسی دارند.

ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق در شهرستان کرمانشاه انجام داده‌اند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد متغیرهای دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق بر میزان گرایش به طلاق تأثیرگذار بوده است. همچنین، برخی دیگر از نتایج این تحقیق حکایت از آن دارد که متغیرهای تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و تفاوت عقاید همسران به شکل غیرمستقیم از طریق تأثیر بر میزان برآورده شدن انتظارات همسران از یکدیگر، بر میزان گرایش به طلاق مؤثر بوده‌اند. قطبی و همکاران (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن به انجام داده‌اند؛ که از مهم‌ترین نتایج پژوهش می‌توان به ارتباط معنی دار بین بروز طلاق با متغیرهایی چون: دخالت دیگران در زندگی زوجین، عدم تفاهم، عدم توافق اخلاقی و عقیدتی زوجین، تفاوت سنی زوجین و بیماری‌های روانی اشاره کرد.

بخشی (۱۳۸۳) پژوهشی با عنوان نگرش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد انجام داده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که با بالا رفتن سن ازدواج، میزان رضایت از زناشویی و میزان پرهیز فرد در روابط خود با جنس مخالف، نگرش به طلاق سخت گیرانه می‌شود. همچنین، داده‌ها حاکی از آن بود که جنسیت با نگرش به طلاق رابطه معنی داری را نشان نمی‌دهد.

ملفت (۱۳۸۱) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق در شهرستان داراب انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سنی زوجین، تحصیلات زوجین و سن ازدواج با میزان گرایش به طلاق رابطه معنادار مستقیمی دارند. همچنین، تفاوت معناداری بین میزان گرایش به طلاق بر حسب رابطه خویشاوندی با همسر و محل تولد زن وجود دارد.

ساینس<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) مطالعه‌ای با عنوان مشارکت های محیطی و ژنتیکی برای روابط و نگرش های طلاق انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد عوامل محیطی و رویدادهای زندگی مثل طلاق گرفتن، اثرات

ژنتیکی گزارش شده بر روی نگرش‌های نسبت به طلاق را معتدل می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اثر ژنتیکی برای انتخاب یا تجربه یک طلاق مرتبط با اثر ژنتیکی نسبت به نگرش‌های طلاق می‌باشد.

تیچمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) ارتباط بین منابع مالی زنان و خطر وقوع طلاق را بررسی کرده و نشان داده مشارکت زنان در بازار کار باعث ثبات بیشتر ازدواج می‌شود، اما درآمد بیشتر آنان، احتمال بی‌ثباتی ازدواج را افزایش می‌دهد.

شوئن و همکارانش<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان ارتباط بین منابع مالی زنان و خطر طلاق به این بررسی پرداختند که مشارکت زنان در بازار کار باعث ثبات در ازدواج می‌شود اما درآمد بیشتر آن‌ها احتمال طلاق و عدم ماندگاری ازدواج را به دنبال دارد.

ادواردز و دیگران<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) در پژوهشی با عنوان اشتغال زن و بی‌ثباتی زندگی زناشویی بر پایه مصاحبه با ۱۳۹۹ زوج در تایلند در سال ۱۹۸۸، نتیجه گرفتند که اشتغال زنان بر طلاق مؤثر است به گونه‌ای که بی‌ثباتی زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد.

### مبانی نظری پژوهش

#### نظریه مبادله اجتماعی

نظریه مبادله<sup>۴</sup> اجتماعی، بر کنش‌های میان زن و شوهر از دیدگاه سود و هزینه می‌نگرد. گلز می‌گوید: انسان‌ها تنها زمانی وارد یک رابطه می‌شود و در آن باقی می‌مانند که سود یا پاداشی (پول، عشق، امنیت، تشویق، عزت نفس) در آن رابطه دریافت کنند که بیش از هزینه‌هایش باشد. مطابق با نظریه مبادله اجتماعی، وقتی یکی از زوجین سودی را که در رابطه زناشویی انتظار دارد، دریافت نمی‌کند و به راحتی نیز از آن چشم‌پوشی نمی‌کند، درخواست طلاق نموده، موجب به هم زدن مبادله بین زن و شوهر می‌شود. عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین اساس نابرابری در مبادله (زناشویی) را به همراه دارد و در نهایت منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌گردد. با این فرض که هر یک از افراد درگیر این رابطه مبادله‌ای در برابر آنچه که هزینه می‌کند بر اساس هنجارهای مورد قبول، انتظار دریافت پاداش متعادل از جانب دیگری دارد. هرگاه به نحوی این تعادل خدشه‌دار گردد، فرد بر طبق نظریه مبادله، به رفتاری پرخاشگرانه تمایل پیدا می‌کند و سرانجام به درخواست طلاق روی می‌آورد؛ بنابراین پنداشت، سود و زیان برای فرد در زندگی زناشویی اهمیت پیدا می‌کند و سرانجام به درخواست طلاق روی می‌آورد و باید به این نکته توجه داشت فرد در صورت جدایی از چه پاداش‌هایی باید در برابر پاداش‌های جدید

1. Tichman

2. Schoen

9. Edwards et al

11. Exchang Theory

صرف نظر کند و در مورد هزینه‌ها هم همین گونه است و در نهایت فرد باید تصمیم‌گیری نماید که در کدام مرحله (قبل یا بعد از درخواست طلاق) سود بیشتری عاید وی می‌گردد و فرد به ادامه زندگی یا گسست آن روی می‌آورد. در این نظریه افراد کنشگر باهم برابر در نظر گرفته می‌شوند، اما واقعیت این است که روابط اجتماعی به خصوص روابط خانوادگی برابر نیستند؛ زیرا معمولاً در خانواده فردی قدرتمند (از نظر بدنی یا اقتصادی) در برابر افراد بدون قدرت قرار می‌گیرد. با وجود این انتقاد باید گفت که در بسیاری از روابط اجتماعی و خانوادگی محاسبه هزینه - سود وجود دارد (اعزازی، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۵).

### نظریه همسان همسری

نظریه همسان همسری استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو فرد، نه تنها آن‌ها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت آن‌ها را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانواده است. به عقیده هیل<sup>۱۲</sup>، افراد مایل‌اند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنان چه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی شوند. باورمن<sup>۱۳</sup> می‌گوید: انسان دانسته یا ندانسته به دنبال همسری می‌گردد که صفاتی همگون با او داشته باشد. با کسی وصلت کند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشند. به گمان لاک و برگس<sup>۱۴</sup>، بخت هر فرد بیش تر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه‌ها عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود<sup>۱۵</sup> معتقد است، هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. چنی و یامورا<sup>۱۶</sup> نیز بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۰). در مقابل در ناهمسان همسری وضعیت به گونه‌ای است که دو انسان با دو فرهنگ متفاوت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و چون سازش فکری ندارند، عواطف آنان نیز رو به سردی می‌گذارد (Ackerman, 1990: 17-20).

### نظریه نقش<sup>۱۶</sup>

نظریه های نقش اجتماعی تاکید بر انتظارات تقسیم شده دارد که بصورت متمایزی برای زنان و مردان قابل کاربرد است (رایدوی و دیکما، ۱۹۹۲). انتظارات ناسازگار و ناهمسانی که تعامل اجتماعی بر زنان تحمیل می‌کند، منزلت های مردان بالاتر از زنان تعیین می‌کند، به ناسازگاری زناشویی و بعضاً

12. Hill

13. Bower man

14 . Lock & Burgess

15. Wood

16. Cheny & Yamamura

6 . Role Theory

طلاق منتهی می‌گردد. براساس نظریه نقش، نقش‌هایی که هریک از زوجین در زندگی زناشویی اجرا می‌کنند، مبتنی بر انتظاراتی است که با توجه به ویژگی‌های زن و شوهر از یکدیگر و همچنین افراد دیگر از وی دارند. بر اساس نقش مراقبتی زنان در خانواده، زن فردی است که از او انتظار می‌رود که فرزندانش سالم و شادمان باشند، باید بکوشد تا یک دنیای سازگار برای شوهرش فراهم کند، او در زندگی روزانه خود باید درخواست‌های شوهر و فرزندان خود را برآورده سازد و تلاش کند تا اختلاف‌های میان بچه‌ها را حل کند و در این مورد تصمیم بگیرد که آیا نیاز یکی از فرزندانش برای بازی بیشتر از نیاز فرزند دیگری برای خواب است. او موفق است در حدی که هر کدام از فرزندانش در رسیدن به هدف‌هایشان معقولانه خشنود هستند، به میزان کافی مورد مراقبت قرار گرفته‌اند و هیچکدام از فرزندانش بوسیله او آسیبی ندیده باشند. در مقابل، مردان در یک دنیای قراردادهای با مردمی که هیچگونه تعهد عاطفی با آن ندارند و خود را در برابر هیچ نوع مسوولیت ویژه مراقبتی مدیون نمی‌دانند زندگی می‌کنند. مرد در یک نظم اخلاقی که بوسیله حقوق و تعهدات اداره می‌شود زندگی کرده و دنیای عمومی که او آفریده با این احساس مردانگی که مدیریت خانه را جزئی از حقوق خود می‌داند سازگار است. این نوع اخلاق در مردان از تجربه زندگی شغلی آنها پدید می‌آید در حالی که زنان در مراقبت از نوزاد مقید به اخلاق هستند و این نوع اخلاق از تجربه روزانه آنها در خانواده پدید می‌آید (بارز، ۱۳۸۳). بنابراین، این امکان وجود دارد که غفلت از ایفای نقش‌هایی که از زنان و مردان انتظار می‌رود به ناسازگاری زناشویی و گسیختگی خانوادگی و طلاق منتهی شود.

### نظریه شبکه‌ای

نظریه شبکه‌ای<sup>۱</sup> هر خانواده قسمتی از یک شبکه بزرگ خویشاوندی محسوب می‌شود که در تعامل با سایر افراد و خانواده‌ها قرار دارد. این تعامل در گذشته در خانواده‌های گسترده به صورت مستقیم وجود داشت. امروزه با توجه به اینکه خانواده‌های گسترده به شکل سنتی آن وجود ندارد این تعامل نیز تغییراتی کرده است، اما هم‌چنان این روابط به عنوان عاملی تعیین‌کننده بر چگونگی تصمیم‌گیری و رفتار اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. در جامعه به ظاهر خانواده‌های جدا از هم زندگی می‌کنند در حالی که در واقع رفت‌وآمد بین آن‌ها به وفور انجام می‌شود و بر طبق اندیشه حاکم ناشی از نظام سنتی که بزرگ‌ترها را صاحب حق دخالت در همه امور می‌دانند، در این دید و بازدیدها همواره اظهارنظر، انتقادات و پیشنهادهای فراوانی به سوی زوج جوان سرازیر می‌شود و زندگی آن‌ها را دچار تلاطم می‌کند؛ بنابراین نظریه شبکه‌ای بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد زوجین خود نمی‌توانند تصمیمات ملزم را اخذ کنند چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه تحمل کنند و دخالت دیگران را

باید در زندگی خود قبول کنند که این مسئله می‌تواند زمینه بروز اختلافات را در خانواده به وجود آورد و در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود (ویلیام، ۱۳۵۲: ۲۵۳).

### دیدگاه آنومی

با پیش فرض های دورکیم طلاق دارای ویژگی های زیر می باشد:

۱- برای طلاق نیز مانند دیگر پدیده های آسیب‌ناهی نمی توان علل استثنایی و اتفاقی جستجو نمود، بلکه طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی آسیب‌ناهی دارد و از قانونمندی های خاص اجتماعی تبعیت می نماید و علل و عوامل وقوع آن قابل تعمیم می باشد.

۲- برای شناخت علل وقوع طلاق می بایست ساختار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه را مطالعه نمود.

۳- طلاق به عنوان یک رفتار انحرافی پیامد بحران های اجتماعی و اقتصادی است بنابراین، رابطه پدیده طلاق با ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه امری دایمی است.

۴- هر رفتار اجتماعی که جامعه را جریحه دار نموده و احساسات جمعی آزرده نماید رفتار انحرافی محسوب می شود، بنابراین، طلاق رفتار انحرافی است زیرا با وقوع آن جامعه جریحه دار شده و آزرده خاطر می شود.

۵- انسجام اجتماعی در خانواده بیانگر ارتباط و پیوند میان اعضای خانواده است و همچنین مبین این است که فرد احساس می کند به نوعی به خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی رابطه و پیوند داشته و به آن علاقمند است، بنابراین، طلاق انسجام اجتماعی خانواده را متزلزل می نماید و به عنوان رفتار انحرافی شناخته می شود (توسلی، ۱۳۷۳: ۶۴).

به نظر مرتن<sup>۱</sup>، میان اهداف فرهنگی و ابزارهای نهادی شده مشروع برای دسترسی به آن اهداف منبع اولیه رفتارهای انحرافی و نابهنجار می دانند (احمدی، ۱۳۷۷). برای مثال، در تشریفات پرستی که به عنوان نوعی تضاد میان اهداف فرهنگی و ابزارهای نهادی شده می داند، براین باور است که افراد ابزارها و وسایل مورد تایید جامعه (تشریفات ازدواج و توجه به ظاهر زندگی و تحمل در زندگی زناشویی) را پذیرفته اند، اما اهداف فرهنگی (توجه به انسجام خانواده و تلاش در جهت تداوم روابط مناسب میان اعضای خانواده) را فراموش نموده اند. بنابراین، سازگاری یا هم‌نوایی میان اهداف فرهنگی و ابزارهای نهادی شده که به وحدت و هم‌سازی اجتماعی میان اعضای خانواده منتهی می شود موجب انسجام خانواده و تضاد بین این دومی تواند زمینه ساز ناسازگاری زناشویی و بعضاً طلاق گردد. براساس نظر مرتن می توان گفت ناهماهنگی بین اهداف و وسایل رسیدن به آن منجر به تغییراتی در نوع نگاه به مساله ازدواج شده و خانواده از ناهماهنگی های موجود رنج خواهد برد و بنابراین تضاد و تنش های

1 . Merton



خانوادگی شروع و منجر به جدایی می شود. از جمله اهدافی که تغییر کرده اند، معیارهای ازدواج و انتخاب همسر است که ناهماهنگ با ابزارها و وسایل رسیدن به آن هستند.

### دیدگاه گیدنز

در دیدگاه گیدنز<sup>۱</sup>، صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری و تسلط ارزش‌های سرمایه‌مدارانه، تقویت نهادهای نظارت اجتماعی، قدرت سازماندهی و پویایی نهادهای عصر تجدد و جهانی شدن از جمله ویژگی‌های دوران مدرنیته شناخته می‌شوند. همچنین، در اندیشه این نظریه‌پرداز اجتماعی، علل پویایی و تحرک خارق‌العاده عصر تجدد با سه عامل شناخته شده‌اند؛ جدایی زمان و فضا که بسیاری از پدیده‌های محلی را به وقایعی جهانی تبدیل کرده است، ساختارهای تکه‌برداری شده (نشانه‌های نمادین و نظام‌های کارشناسی)، بازتابندگی نهادین یا حساسیت فوق‌العاده سازمان‌های جامعه مدرن برای پذیرش تغییراتی که براساس مشاهدات به سرعت در خانواده منعکس می‌شوند. اگر سایر ویژگی‌های مدرنیسم مانند خردگرایی، فردگرایی، افسون‌زدایی، پوچ‌گرایی و دگرگونی را نیز در نظر بگیریم، در هر کدام از آنها نیز می‌توانیم این تحولات را شرح دهیم. اما، مدرنیته و ابعاد مختلف آن، بدون واسطه‌های تغییر از جمله شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، تکنولوژی و تکنولوژی اطلاعات، اشتغال زنان، جنبش حقوق زنان و تنوع‌پذیری نهادهای اجتماعی نمی‌توانستند در خانواده مؤثر باشند. به بیان دیگر، تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و ... تغییر کنند (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱: ۹۵).

### نظریه‌های فرا نوگرا

این دیدگاه بر بزه دیدگی زنان تاکید نموده و طلاق را به عنوان نوعی بزه دیدگی برای زنان در نظر می‌گیرد و براین باورند که مشکلاتی که زنان با آن روبرو هستند مشکلاتی بزرگ با تاریخچه‌ای طولانی است. بنابراین، تحلیل‌ها از هر نوع بزه دیدگی زنان می‌بایست صریحا تاریخی و در عین حال غیرجهانی باشد و نسبت به بافت‌های فرهنگی حساس باشد. تحلیل طلاق به عنوان نوعی بزه دیدگی زنان در یک بافت فرهنگی نظیر جوامع مدرن که شبکه‌های خویشاوندی و فامیلی ناپدید شده است لحاظ نمودن دخالت شبکه‌های خویشاوندی به عنوان عاملی تاثیرگذار بر پدیده طلاق بی‌معنی است، در

1 . Giddnes

حالی که در جوامعی که هنوز سنت‌ها فعال می‌باشند وقوع دخالت شبکه‌های خویشاوندی و فامیلی می‌تواند بر گرایش زوجین به طلاق موثر باشد. نظریه‌های فرانوگرایی اذعان نموده‌اند که برخی از ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی نظیر طلاق و فحشا که زنان و مردان به اتفاق مرتکب شده و سهمی برابر دارند تنها در مورد زنان برجسته می‌شود، این درحالی است که، نظام آیین دادرسی کیفری در بیشتر کشورها در سیاست‌گذاری‌های خود در این موارد حقوق زنان به عنوان بزه دیدگان را نادیده گرفته است. آنها بر این نکته تأکید دارند که انحرافات اجتماعی نظیر طلاق که نوعی بزه دیدگی زنان است می‌بایست در قانون مطالعات جامعه‌شناسی انحرافات و جرم‌شناسی<sup>۱</sup> قرار گیرد و در این مورد می‌بایست یک فضای نظری جدیدی باز کرد و به عوامل مختلف موثر بر بزه دیدگی زنان توجه نمود (سعیدی پور، ۱۳۸۸: ۴۲).

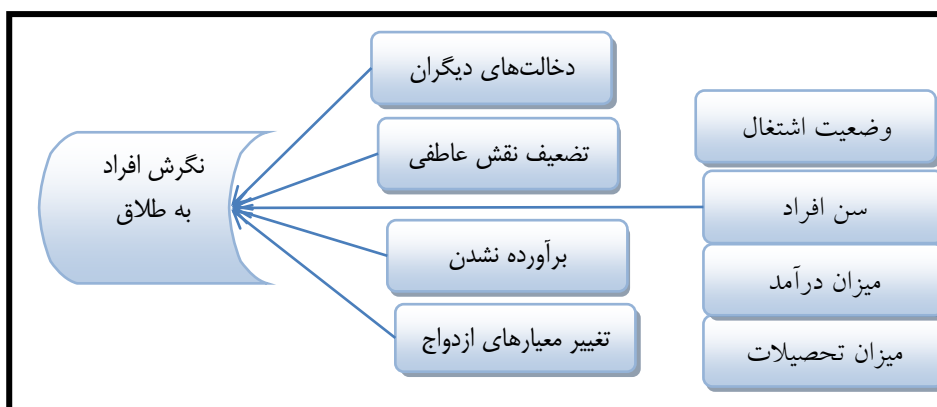
با توجه به این که عموماً نظریه‌ای نمی‌تواند به صورت جامعه‌ابعد و زوایای یک مساله اجتماعی را به صورت جامع بیان کند، بنابراین در این مطالعه از دیدگاه‌هایی استفاده گردید که تحت پارادایم اثبات‌گرایی قرار دارند و چارچوب نظری این پژوهش به صورت تلفیقی از نظریه‌های اجتماعی مرتبط اخذ شده است.

### جدول ۱. ماتریس چارچوب نظری

فرضیه مستخرج	شرح نظریه	نظریه
عدم برآورده نشدن انتظارات	مطابق با نظریه مبادله اجتماعی، وقتی یکی از زوجین سودی را که در رابطه زناشویی انتظار دارد، دریافت نمی‌کند و به راحتی نیز از آن چشم‌پوشی نمی‌کند، درخواست طلاق نموده، موجب به هم زدن مبادله بین زن و شوهر می‌شود. عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین اساس نابرابری در مبادله (زناشویی) را به همراه دارد و در نهایت منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌گردد.	نظریه مبادله
عدم برآورده نشدن انتظارات	افراد مایل‌اند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنان‌چه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی شوند.	نظریه همسان همسری
تضعیف نقش عاطفی	براساس این نظریه زنان نقش عاطفی مانند مطیع، شاد، بامحبت و احساساتی و مردان نقش «نان‌آور» را دارند و کسب درآمد چرخه‌های اقتصاد خانواده را به حرکت در می‌آورند. بنابراین هر تغییری در این نقش‌ها با خطرات زیادی همراه خواهد بود.	نظریه نقش
تغییر معیارهای ازدواج	ناهماهنگی بین اهداف و وسایل رسیدن به آن منجر به تغییراتی در نوع نگاه به مساله ازدواج شده و خانواده از ناهماهنگی‌های موجود رنج خواهد برد و بنابراین تضاد و تنش‌های خانوادگی شروع و منجر به جدایی می‌شود.	نظریه آنومی دورکیم و مرتن

دخالت دیگران تغییر معیارهای ازدواج	تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و ... تغییر کنند.	آنتونی گیدنز
دخالت دیگران	تحلیل طلاق به عنوان نوعی بزه دیدگی زنان در یک بافت فرهنگی نظیر جوامع مدرن که شبکه‌های خویشاوندی و فامیلی ناپدید شده است لحاظ نمودن دخالت شبکه‌های خویشاوندی به عنوان عاملی تاثیرگذار بر پدیده طلاق بی معنی است، در حالی که در جوامعی که هنوز سنت‌ها فعال می‌باشند وقوع دخالت شبکه‌های خویشاوندی و فامیلی می‌تواند بر گرایش زوجین به طلاق موثر باشد.	نظریه فرانگرا

مدل تحلیلی این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری تدوین و فرضیه‌های اساسی تحقیق، متغیرها و روابط میان آن‌ها را مشخص می‌کند.



مدل شماره ۱. مدل نظری پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

۱. بین برآورده نشدن انتظارات و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین دخالت‌های دیگران و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
۳. بین تضعیف نقش عاطفی و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
۴. بین تغییر معیارهای ازدواج و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
۵. بین سن و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
۶. بین میزان درآمد و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
۷. بین میزان تحصیلات و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
۸. بین وضعیت اشتغال و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

## روش پژوهش

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و راهبرد مورد استفاده در این پژوهش، توصیف از نوع پیمایشی و همبستگی می باشد. جامعه پژوهش شامل زنان متأهل شهر اسلام آباد غرب در سال ۱۳۹۷ می باشند. جامعه آماری شامل ۲۲۲۱۵ نفر که در فاصله سنی ۲۰ تا بالاتر از ۶۰ سال قرار دارند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۹۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

$$n = \frac{\frac{Z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 p(1-p)}{d^2}}{1 + \frac{\frac{Z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 p(1-p)}{d^2} - 1}{N}} = \frac{\frac{(1.96)^2 (50)(50)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{\frac{(1.96)^2 (50)(50)}{(0.05)^2} - 1}{22215}} = 190$$

بعد از مشخص شدن نمونه آماری، برای انتخاب نمونه از جامعه آماری از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برآورده نشدن انتظارات، دخالت های دیگران، تضعیف نقش عاطفی، تغییر معیارهای ازدواج، سن، میزان تحصیلات، وضعیت درآمد و شغل به عنوان متغیر مستقل سنجیده شده است؛ و متغیر وابسته، نگرش به طلاق است. پرسشنامه محقق ساخته شامل ۴۲ گویه بوده، روایی پژوهش به شیوه اعتبار محتوا و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر تضمین گردیده است. مقدار CVR به دست آمده ۰/۸۱ می باشد. مقدار آلفای کرونباخ متغیرها بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۱ می باشد و نشانگر آن است که همبستگی و همسازی درونی بین گویه های مربوط به متغیرها مناسب و قابل قبول می باشد. بنابراین مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرها در حد بالایی است و گویه های آن توانسته اند از همسازی درونی لازم برخوردار باشند.

## جدول ۲. ضریب آلفا برای شاخص های پژوهش

ضریب آلفا	تعداد گویه	شاخص
۰/۹۰	۶	نگرش به طلاق
۰/۹۱	۶	برآورده نشدن انتظارات
۰/۷۸	۶	دخالت های دیگران
۰/۸۰	۹	تضعیف نقش عاطفی
۰/۸۶	۱۱	تغییر معیارهای ازدواج

### تعریف مفاهیم و متغیرها

#### نگرش به طلاق

نگرش به طلاق به معنی میزان تمایل و علاقه همسران به جداشدن از یکدیگر و گسستن پیوند زناشویی طی مراحل قانونی است که نشان دهنده تمایل همسران به جداشدن از یکدیگر است (جعفری سدهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۵). این متغیر با استفاده از شش گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. نمونه ای از گویه های این متغیر: (طلاق، امر ناپسندی است و تا حد امکان باید از آن پرهیز کرد، طلاق برای رهایی از شرایط نامساعد زندگی مشترک، بهترین گزینه است، اعتقاد به عدم وجود اجبار و تعهد برای ماندن در زندگی مشترک، تمایل به انجام اقدام عملی در زمینه طلاق، مطرح کردن طلاق به صورت جدی و فکر کردن در مورد طلاق) است.

#### برآورده نشدن انتظارات

نزدیک بودن برآوردن انتظارات زوجین از یکدیگر از جمله نیازهای عاطفی، جسمانی اطلاق می شود که هر چه در این موارد به یکدیگر نزدیکتر باشند احساس صمیمیت بیشتری میان آنها حاکم خواهد شد. این متغیر با استفاده از شش گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. نمونه ای از گویه های این متغیر: (همسر در خانه عفت کلام را رعایت می کرد. همسر سلاقی من را در نظر می گرفت. همسر در تفریح با خانواده اهمیت قایل می شد. همسر در مواقع بیماری از من مراقبت می کرد. همسر نسبت به وظایف فرزندداری توجه داشت. همسر احترام من را نگه می داشت.) است.

#### دخالت های دیگران

به میزان دخالت و همفکری اطرافیان در مسائل موجود بین زوجین اطلاق می گردد. این متغیر با استفاده از شش گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. نمونه ای از گویه های این متغیر: (تحقیر وضعیت خانوادگی زن از سوی خانواده شوهر، توصیه خانواده شوهر به گرفتن طلاق به دلیل بی مبالاتی مرد، دعوای خانوادگی خانواده های زن و مرد، اجبار خانواده زن به گرفتن طلاق و سرکوفت آنان در صورت تداوم زندگی مشترک، توافق خانواده های زن و مرد به جدایی، دخالت مادرشوهر و خانواده شوهر) است.

#### تضعیف نقش عاطفی

گسترش آزادی های جنسی و فراهم شدن امکان ارضای جنسی - عاطفی در خارج از چارچوب خانواده، از طریق شیوه های غیرنهادینه یا غیر هنجاری تاثیر جالب توجهی بر تغییر کارکرد خانواده در زمینه رفتار جنسی داشته است (بستان، ۱۳۸۹: ۱۱۴). این متغیر با استفاده از شش گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. نمونه ای از گویه های این متغیر: (عدم علاقه به همسر، عدم

رضایت از رابطه همسر و فرزندان، عدم رضایت از رابطه جنسی با همسر، عدم رضایت از میزان درک همسر، عدم رضایت از وفاداری همسر، عدم رضایت از ازدواج با همسر، بی توجهی و بی محبتی شوهر، بی احترامی به زن، تحقیر و تمسخر زن در جمع از سوی شوهر) است.

### تغییر معیارهای ازدواج

این متغیر با استفاده از شش گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. نمونه ای از گویه های این متغیر: (آراستگی و زیبایی ظاهر، میزان درآمد، عشق، پایبندی به موازین مذهبی، اخلاق، تفاوت سطح تحصیلی زوجین، تغییر نوع نگرش نسبت به اشتغال زنان، تغییر در مناسبات زناشویی، اصالت خانوادگی، تغییر نگرش زوجین به نقش های جنسیتی، تعلق زوجین به پایگاه اجتماعی متفاوت) است.

### یافته های پژوهش

#### الف - یافته های توصیفی

وضعیت تحصیلی پاسخگویان نشان می دهد ۲۴/۲ درصد لیسانس، ۲۳/۷ درصد دیپلم بودند. همچنین ۲۰/۵ درصد بی سواد، ۱۷/۴ درصد زیر دیپلم، ۱۰/۵ درصد فوق دیپلم و کمترین میزان با ۳/۷ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بودند. توزیع سنی پاسخگویان نشان می دهد که سنین آن ها بین ۴۴ تا ۳۰ سال بوده و اکثریت آن ها (۳۶/۳ درصد) در سنین ۳۹-۳۵ سالگی قرار داشته اند. ۱۵/۳ درصد در سنین ۳۰-۳۴ و همین درصد نیز در سنین ۴۴-۴۰، ۱۲/۶ درصد در سنین ۲۹-۲۵، ۷/۴ درصد در سنین ۲۴-۲۰، ۶/۳ درصد در سنین ۵۰-۵۴، ۲/۶ درصد در سنین ۵۹-۵۵ و کمترین گروه سنی هم بالاتر از ۶۰ سال با ۰/۵ درصد بودند. بررسی پاسخگویان بر حسب شغل نشان می دهد که ۶۶/۳ درصد غیر شاغل و ۳۳/۷ درصد شاغل بوده اند. توزیع وضعیت درآمد پاسخگویان نشان می دهد که اکثریت با ۴۲/۱ درصد، بدون درآمد ۲۵/۳ درصد درآمدی کمتر از ۶۰۰ هزار تومان، ۱۰/۵ درصد ۱ تا ۱۵۰۰ میلیون درآمد، ۹/۵ درصد درآمد ۶۰۰ تا ۱ میلیونی و ۱۲/۷ درصد باقیمانده نیز درآمد مابین ۱۵۰۰ میلیون تا بیشتر از ۳ میلیون درآمد داشتند.

#### ب - یافته های تحلیلی

فرضیه اول: به نظر می رسد بین برآورده نشدن انتظارات و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی داری وجود دارد.

برای بررسی این رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همان طور که ملاحظه می شود ضریب همبستگی بین برآورده نشدن انتظارات و نگرش افراد به مقوله طلاق در نمونه آماری ۰/۵۶۰ است و سطح معنی داری آزمون برابر ۰/۰۰ است که با اطمینان ۹۵٪ می توان فرض صفر، یعنی عدم وجود

همبستگی را رد و فرض اصلی تحقیق را پذیرفت. ضریب همبستگی  $0/000$  نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

### جدول ۳. همبستگی پیرسون بین برآورده نشدن انتظارات و نگرش افراد به مقوله طلاق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش افراد به مقوله طلاق	برآورده نشدن انتظارات	$0/560$	$0/000$

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین دخالت‌های دیگران و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده جدول (۴) مقدار معناداری محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با  $0/000$  می‌باشد و چون این عدد کوچک‌تر از  $0/05$  است که با اطمینان  $95\%$  می‌توانیم فرض  $H_0$  را رد کنیم لذا بین دو متغیر دخالت‌های دیگران و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد. با توجه به شدت همبستگی به دست آمده ما که برابر با  $0/360$  است، لذا همبستگی مثبت با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر دخالت‌های دیگران و نگرش افراد به مقوله طلاق وجود دارد؛ لذا بر این اساس فرضیه شماره (۲) تأیید می‌شود.

### جدول ۴. همبستگی پیرسون بین دخالت‌های دیگران و نگرش افراد به مقوله طلاق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش افراد به مقوله طلاق	دخالت‌های دیگران	$0/36$	$0/000$

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین تضعیف نقش عاطفی و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

برای بررسی این رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد همان طور که ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین تضعیف نقش عاطفی و نگرش افراد به مقوله طلاق در نمونه آماری  $0/357$  است و سطح معنی‌داری آزمون برابر  $0/000$  است که با اطمینان  $95\%$  می‌توان فرض صفر، یعنی عدم وجود همبستگی را رد و فرض اصلی تحقیق یعنی وجود رابطه بین متغیرها را پذیرفت. ضریب همبستگی  $0/357$  نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت و مستقیم برقرار است. در حالت کلی فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد.

### جدول ۵. همبستگی پیرسون بین تضعیف نقش عاطفی و نگرش افراد به مقوله طلاق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش افراد به مقوله طلاق	تضعیف نقش عاطفی	$0/357$	$0/000$

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین تغییر معیارهای ازدواج و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

برای بررسی این رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همان طور که ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین تغییر معیارهای ازدواج و نگرش افراد به مقوله طلاق در نمونه آماری ۰/۵۸ است و سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۲ است که با اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرض صفر، یعنی عدم وجود همبستگی را رد و فرض اصلی تحقیق را پذیرفت. ضریب همبستگی ۰/۵۸ نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

#### جدول ۶. همبستگی پیرسون بین تغییر معیارهای ازدواج و نگرش افراد به مقوله طلاق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش افراد به مقوله طلاق	تغییر معیارهای ازدواج	۰/۵۸	۰/۰۰۰

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین سن و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول (۷) ضریب همبستگی بین سن و نگرش افراد به مقوله طلاق برابر با ۰/۲۶- محاسبه شده است که این نشانگر وجود رابطه منفی و معکوس است. بدین معنی که با افزایش (کاهش) سن شاهد تغییر نگرش افراد به مقوله طلاق هستیم. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۰ است و کوچک‌تر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

#### جدول ۷. همبستگی پیرسون بین سن و نگرش افراد به مقوله طلاق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش افراد به مقوله طلاق	سن	-۰/۲۶	۰/۰۰۰

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین میزان درآمد و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به این که سطح سنجش دو متغیر میزان درآمد و متغیر نگرش افراد به مقوله طلاق فاصله‌ای می‌باشد از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرها استفاده شده است؛ که با توجه به نتایج به دست آمده بین دو متغیر با ضریب همبستگی ۰/۲۳۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین فرض اصلی تأیید و فرض صفر رد می‌شود.



## جدول ۸. همبستگی پیرسون بین میزان درآمد و نگرش افراد به مقوله طلاق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش افراد به مقوله طلاق	میزان درآمد	۰/۳۳۸	۰/۰۰۰

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول (۹) ضریب همبستگی میزان تحصیلات و نگرش افراد به مقوله طلاق برابر با ۰/۲۲۵- محاسبه شده است که این نشانگر وجود رابطه منفی و معکوس است. بدین معنی که با افزایش (کاهش) میزان تحصیلات شاهد تغییر نگرش افراد به مقوله طلاق هستیم. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۰ است و کوچک‌تر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

## جدول ۹. همبستگی اسپیرمن بین میزان تحصیلات و نگرش افراد به مقوله طلاق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش افراد به مقوله طلاق	میزان تحصیلات	-۰/۳۲۵	۰/۰۰۰

فرضیه هشتم: به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال و نگرش افراد به مقوله طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۱۰) میانگین نگرش به طلاق بین دو گروه زنان خانه‌دار و شاغل را نشان می‌دهد. در این صفت زنان شاغل از میانگین ۴۱/۲۸ و زنان خانه‌دار از میانگین ۳۹/۱۶ برخوردارند؛ بنابراین تفاوت زیادی در این صفت در دو گروه مشاهده نمی‌شود.

## جدول ۱۰. داده‌های آماری دو گروه خانه‌دار و شاغل

خطای میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	جمع	شغل زنان
۴۱۲٪	۸/۱۸۷	۳۹/۱۶	۱۲۶	نگرش به طلاق زنان خانه‌دار
۵۳۰٪	۸/۴۷۴	۴۱/۲۸	۶۴	زنان شاغل

## معادله رگرسیون

در این مرحله به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل و تنظیم معادله پیش بینی از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. قبل از استفاده از رگرسیون، باید مفروضات

اساسی این نوع تحلیل رگرسیونی را در نظر داشته باشیم به طوری که اگر این مفروضات برآورده نشوند، داده ها دارای اریب خواهند بود: اول پیش فرض اول، مستقل بودن خطاها یا باقی مانده ها از همدیگر است. برای تعیین وجود خودهمبستگی از آزمون دوربین- واتسون<sup>۱</sup> استفاده گردید که نتیجه دارای نوعی خودهمبستگی مثبت ( $Durbin-Watson = 2/137$ ) هستند. هم چنین برای اندازه گیری چند هم خطی در متغیرهای مستقل از دو روش ارزش تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که سه متغیر تغییر در معیارهای ازدواج، برآورده نشدن انتظارات و دخالت دیگران توانستند وارد معادله رگرسیونی شده و روی هم رفته ۴۸ درصد از تغییرات نگرش به مقوله طلاق تبیین کند. اولین متغیر تغییر در معیارهای ازدواج است؛ به طوری که مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $7/108$  ( $T = 2/88$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig.T = 0/000$ ) می‌باشد. میزان ضریب تعیین برابر با  $R^2 = 0/448$  به دست آمد. در مرحله دوم برآورده نشدن انتظارات وارد معادله گردید، مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $2/88$  ( $T = 2/88$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig.T = 0/004$ ) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با  $R^2 = 0/470$  به دست آمد. در مرحله سوم دخالت دیگران وارد معادله گردید، مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $2/615$  ( $T = 2/615$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig.T = 0/009$ ) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با  $R^2 = 0/485$  به دست آمد. این سه متغیر روی هم رفته توانستند مقدار  $0/485$  از تغییرات درونی متغیر میزان تغییرات نگرش به مقوله طلاق را تبیین کنند.

جدول ۱۱. تحلیل رگرسیونی

ضریب ( $R^2$ ) تعدیل شد ه	مجذور ات (R)	سطح معنادار ی	T	ضریب معیار شده بتا	ضرایب معیار نشده خطای معیار B	متغیرهای مستقل	
-	-	0/000	23/66	-	1/349	31/92	مقدار ثابت
0/200	0/448	0/000	7/108	0/376	0/036	0/258	تغییر در معیارهای ازدواج
0/221	0/470	0/004	2/88	0/130	0/041	0/117	برآورده نشدن انتظارات
0/235	0/485	0/009	2/615	0/139	0/052	0/137	دخالت دیگران
	سطح معناداری (Sig)	آماره F	خطای استاندارد شده	عامل تورم واریانس (vif)	ضریب تولرانس	ضریب همبستگی (R)	
	0/000	38/912	4/285	0/066	0/772	0/239	

1. Durbin-Watson

معادله رگرسیون چندمتغیره در پژوهش حاضر:  $Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$   
 نگرش به مقوله طلاق =  $۳۱/۹۲۸ + ۰/۲۸۵$  (تغییر در معیارهای ازدواج) +  $۰/۱۱۷$  (برآورده نشدن انتظارات)  
 +  $۰/۱۳۷$  (دخالته دیگران) +  $e_i$

### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به عوامل اجتماعی موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق (مورد مطالعه زنان متأهل اسلام‌آباد غرب) پرداخته شد. نتایج نشان داد تفاوت تحصیلی با نگرش به طلاق ارتباط معنی‌داری دارد. این یافته، نظریه همسان همسری و تحقیق ملتفت (۱۳۸۱) را تأیید نموده است. تفاوت عقاید زمینه‌ی تغییر نگرش به طلاق را مهیا می‌سازد. طبق نظریه همسان همسری همسانی‌های فکری و عقیدتی بین زوجین لازمه بقا و تداوم زندگی را فرض می‌کند و بالعکس، وجود برخی ناهمسانی‌ها باعث وجود اختلاف و گسست روابط در زندگی تلقی نموده که به تدریج زمینه را برای وقوع طلاق فراهم می‌آورد. این یافته با نتایج تحقیقات ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، قطبی و همکاران (۱۳۸۶)، نظری (۱۳۹۰) همخوان و نتایج تحقیقات آن‌ها را تأیید می‌کند. تاکید محوری دیدگاه هومنز و نظریه مبادله در سود انگاری قرار دارد و رفتار بشر را محصول پیگیری منافع شخصی در نظر می‌گیرد. بر این اساس، زمانی که یک شخص (زن یا شوهر) هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی می‌کند، این نظریه پیش‌بینی می‌کند در این حالت چنین شخصی رابطه مذکور را نابرابر فرض نموده، امید خویش را در برآورده شدن انتظاراتی که از طرف مقابل خویش دارد؛ از دست خواهد داد و در نتیجه شاهد گسست روابط متقابل این دسته از زوجین و در نهایت بروز پدیده طلاق خواهیم بود. نتایج این پژوهش با یافته‌های روستا (۱۳۸۹)، ریاحی (۱۳۸۶)، بخشی (۱۳۸۳)، همسان است و آن‌ها را تأیید می‌کند. بر اساس نظریه شبکه قوی بودن شبکه خویشاوندی و دخالت دیگران در زندگی زوجین، می‌تواند از طریق سلب قدرت تصمیم‌گیری از زوجین، سبب بروز اختلافات خانوادگی گردیده، احتمال جدایی و طلاق را افزایش دهد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، قطبی و همکاران (۱۳۸۶) همخوان و نتایج تحقیقات آن‌ها را تأیید می‌کند. سن افراد با نگرش به طلاق ارتباط معنی‌داری دارد. بدین معنی که با افزایش (کاهش) سن شاهد تغییر نگرش افراد به مقوله طلاق هستیم. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های سلیمانی (۱۳۹۴)، روستا (۱۳۸۹)، ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، قطبی و همکاران (۱۳۸۶) همخوان و نتایج تحقیقات آن‌ها را تأیید می‌کند. درآمد بیشتر زنان، احتمال بی‌ثباتی ازدواج را افزایش می‌دهد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تیچمن (۲۰۰۴) همخوان و نتایج تحقیقات آن‌ها را تأیید می‌کند.

### پیشنهاد‌های کاربردی

۱. اشاعه همسان همسری سنی و تحصیلی در بین جوانان؛ رعایت همسان‌گزینی در انتخاب همسر یکی از پارامترهایی است که موجب کاهش تعارضات در انتظارات زوج می‌گردد.

۲. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای شناخت انتظارات و نحوه برآورده ساختن آن برای متقاضیان، بسان ازدواج در حد مطلوب توسط کارشناسان مسائل خانواده.
۳. آموزش استفاده مناسب از امکانات ارتباطی و تکنولوژی ارتباطات
۴. دخالت اطرافیان با توجه به متخصص نبودن آن‌ها، قضاوت کردن آن‌ها در مورد رفتار زوج و سوگیری نسبت به هر یک از زوجین، نه تنها موجب کاهش مشکلات زوج نمی‌گردد، بلکه مشکلات بیشتری را در پی دارد. لذا توصیه می‌شود، زوجین در هنگام مواجهه با مشکلات فی مابین با مراجعه به مشاورین زوج درمانگر به حل مشکلاتشان بپردازند چرا که آن‌ها به لحاظ تخصص شان در حوزه خانواده به راحتی می‌توانند به حل مشکلات زوج کمک نمایند.
۵. با توجه به کارایی مشاوره ازدواج در کاهش مشکلات زوج پیشنهاد می‌شود، سازمان‌ها و نهادهای متولی حوزه جوانان و خانواده، هزینه‌های مربوط به استفاده از خدمات مشاوره‌ای خانواده را به شکلی تأمین نمایند تا دسترسی به مشاورین زوج درمانگر برای عموم مردم و جوانان تسهیل گردد.

## منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷) نظریه های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات زر.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ هفتم.
- بخشی، حامد. (۱۳۸۳). نگرش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، رشته جامعه‌شناسی.
- بستان، حسین و همکاران. (۱۳۸۹). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۳). نظریه های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری سدهی، رضا و آقاجانی مرساء، حسین و امیرمظاهری، امیرمسعود. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر نگرش به طلاق بین زوجین مراجعه کننده به مراکز بهزیستی گیلان، فصلنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره هفتم، صص ۳۹-۷۶.
- حیدری بیگوند، داریوش و حامد بخشی (۱۳۸۴). نگرش جمعیت ۱۸ تا ۶۵ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم، شماره اول، صص. ۴۵-۷۴.

- روستا، لهراسب. (۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی گرایش طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز، فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره ۳.
- ریاحی، محمداسماعیل، علیوردی نیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، فصلنامه پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره سوم، صص. ۱۰۹ - ۱۴۰.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سعیدی پور، بهمن (۱۳۸۸). بررسی زمینه ها و عوامل موثر بر طلاق در شهرستان اسلام آبادغرب، دانشگاه پیام نور، گزارش طرح پژوهشی.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۸). توسعه اقتصادی اجتماعی طلاق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایثاری، مریم. (۱۳۹۱). تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی، زن در سیاست و توسعه، دوره اول، شماره سوم، صص. ۵ - ۳۰.
- صدراشرفی، مسعود؛ خنکدار طارسی، معصومه؛ شمخانی، اژدر و یوسفی افراشته، مجید (۱۳۹۱). آسیب شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، صص ۲۶-۵۳.
- عمرانی، سیده نرجس و امیر موسوی، سیده فاطمه. (۱۳۹۷). تجربه زیستی زنان متأهل در مواجهه با طلاق عاطفی، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.
- فلاحی، روح الله و روشنفکر، پیام و پورکسمایی، مریم. (۱۳۷۹). بررسی بین نسلی نگرش به طلاق: مطالعه ای در استان زنجان، راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- قطبی، مرجان، هلاکویی نایینی، کوروش، جزایری، سیدابوالقاسم، رحیمی، عباس. (۱۳۸۶). وضعیت طلاق و برخی از عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۲، شماره سوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- محبی، سیده فاطمه. (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی طلاق، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، شماره دوازدهم، صص ۹۶۱-۹۸۴.

مرادی، گلمراد و صفاریان، محسن (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان: مطالعه موردی شهر کرمانشاه، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال سوم، شماره هفتم، صص ۸۱-۱۰۸.

مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). تحلیلی بر ویژگی های ازدواج در ایران. تهران.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). تحلیلی بر ویژگی های ازدواج در ایران. تهران.

ملتفت، حسین. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر به گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.

ملکشاهی، سجاد؛ صوری، اشکان؛ فتاح آباد، جواد و سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۵) در مطالعه ای تحت عنوان علل طلاق و راهکارهای جلوگیری از آن، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، لرستان، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان لرستان، موسسه عدالت گستر بارکه افلاک

ویلیام، جی، گود، (۱۳۵۳)، خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Ackerman, N. W (1990), The Psychodynamics of family life, New York, Norton, Vol. 23; PP 17- 20.

Diaz, N. Molina O. MacMillan, T. Duran, L & Swart, E. (2013), Attitudes toward Divorce and Their Relationship with Psychosocial Factors among Social Work Students, Journal of Divorce and Remarriage, Vol. 54: pp. 505-518.

Edwards, J. N., Fuller, T. D., Vorakitphokatorn, S., & Sermsri, S. (1992). Female employment and marital instability: Evidence from Thailand. Journal of Marriage and the Family, Vol. 54, No. 1, pp. 59-68.

Heaton, T.B. (2002), Factors Contributing to Increasing Marital Stability in the United States, Journal of Family, Vol. 23: pp. 392-409.

Kalmjin, M. & W. U (2007), "Regional Differences in Europe and the Social Consequences of Divorce: A Test of the Stigmatization Hypothesis", Journal of Social Science Research, Vol. 36: pp. 447-468.

Kapinus, C. A. Flowers, D. R (2008), An Examination of Gender Differences in Attitudes toward Divorce", Journal of Divorce and Remarriage, Vol. 49: pp. 239-257.

Kwan, L., L. Mellor, D. Rizzuto, L. Kolar, C. Mamat, Norul Hidayah Bt. (2013), "The Relationship between Perceived Interparental Conflict and

- Malaysian Young Adults' Attitudes toward Divorce", *Journal of Divorce and Remarriage*, Vol. 54: pp. 596-607.
- Miles, N. J. Servaty-Seib, H. L. (2010), "Parental Marital Status and Young Adult Offspring's Attitudes about Marriage and Divorce", *Journal of Divorce and Remarriage*, Vol. 51: pp. 209-220.
- Rootalu, K. & Kasearu, K. (2016), "Adolescents' Attitudes toward Divorce: Does Parental Influence Matter in a Changing Society?" *Journal of Divorce and Remarriage*, Vol. 57: pp. 195-211.
- Schoen, R., Astone, N. M., Kim, Y. J., Rothert, K., & Standish, N. J. (2002) "Women's employment, marital happiness, and divorce", *Journal of Social Forces*, Vol. 81, No. 2, pp. 643-662.
- Science, E. (2015), Gene-environment interplay, Divorce, *Journal of Personality and Individual Differences*, Vol. 72, pp. 135-140.
- Teachman, J. (2010) "Wives' economic resources and risk of divorce", *Journal of Family Issues*, Vol. 31, No. 10, pp. 1305-1323.
- Whitton, Sarah W. Stanley, Scott M. Markman, Howard J. Johnson, Christine A. (2013), "Attitudes Toward Divorce, Commitment, and Divorce Proneness in First Marriages and Remarriages", *Journal of Remarriage and Family*, Vol. 75, No. 2, pp. 276-287.

---

**Social factors affecting the attitude of individuals towards divorce (Case study: married women in Islamabad gharb)**

Ali Moradi<sup>1</sup>

Mandana Farokhi<sup>2</sup>

**Abstract**

In this research, Social factors affecting the attitude of individuals towards divorce (Case study: married women in Islamabad gharb) have been investigated. It was an applied research. Due to the quantitative nature of the research and the nature of the subject, the method of Survey has been used as the main method of the present study and the methodological principles have been observed. The population of the study consisted of 22215 married women in Islamabad gharb. From among them, 190 people were selected as sample using simple random sampling method and a questionnaire was used to collect data. The most important results of this study were: the difference between the ideas Changes the attitude toward divorce in attitudes toward divorce. The assumptions of thought and beliefs between couples presuppose the survival and continuity of life, and vice versa, the existence of some inequalities leads to the divorce and division of relationships in life, which gradually leads to divorce. By increasing (or decreasing) of the age, we are witnessing a change in the attitude of individuals towards divorce. More income More income of the women increases increase the probability of marital instability. Women's employment plays a significant role in describing the attitude toward divorce. Also, the results showed that the involvement of others has a significant relationship with a attitude towards divorce . According to the network theory, the strength of the kinship network and the involvement of others in the life of couples can lead to family disputes by eliminating the decision-making power of couples, increasing the likelihood of separation and divorce.

**Key Words:** Attitudes towards divorce, marriage criteria, expectations, involvement of others.

---

1 . Associate Professor of Sociology, Eslam Abad Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-e-gharb. Iran. (moradi.pop@gmail.com)

2 . Department of Sociology, Eslam Abad-E-Gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-E-Gharb, Kermanshah, Iran.